

حمد و شکر اولیا و اصفیاء حق را لایق و سزااست آنانکه کوثر حیوانرا که از قلم مقصود ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۳۲۷

آقای معظم حضرت افنان جناب آقا میرزا آقا علیه منکّل بهاء اباه ملاحظه فرمایند

۱۵۲

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلی الابهی

حمد و شکر اولیا و اصفیاء حق را لایق و سزااست آنانکه کوثر حیوانرا که از قلم مقصود عالمیان جاریشد آشامیدند و عطا نمودند ایشانند ایادی امر بین عباد و ایشانند انوار آفاق بهم لاح النور و انتشرت اوامر الله و احکامه بین ملاء الظهور ایشانند ساقی کأوس مواهب الهی و عطایای ربّانی باسم حق اخذ مینمایند و بذکر حق مینوشند و بهر طالب و قاصدی عطا مینمایند ایشانند نفوسیکه از خود اراده و مشیّتی نداشته و ندارند بافق رحمن ناظرند و بامرش عامل علّة حیاتشان ذکر حق و سبب بقا یاد دوست یگا بکلمه قم قیام مینمایند قیامیکه قعود او را اخذ نماید چنانچه در مناجات صوم میفرماید ایشان عبادی هستند اگر باصغاء کلمه صوموا از جهة امر مبرم فائز شوند و اینحکم معلق بمیقات و حدود نشود صائمند الی ان یخرج الروح من اجسادهم حبّذا هذا المقام الاعلی و هذه الرتبة العلیا

سبحانک اللهم یا من باسمک انار افق الاقتدار و بذکرک اشرفت الانوار اسئلک بارادتک الّتی سخّرت الممكنات و بمشیّتک الّتی احاطت الذّرات بان تؤیّد عبدک هذا علی ذکرک و ذکر افنانک الذّین نسبتهم الی نفسک و رفعتهم بکلمتک العلیا و جعلتهم مشارق حبّک فی ناسوت الانشاء ایربّ انّ الخادم یعترف بعجزه و قصوره و خطایاه الّتی منعتہ عمّا ینبغی لایامک و جراته الّتی غفلته عن ذکر اصفیائک اسئلک یا سابع النعم بالاسم الاعظم بان تعلّنی ما تحبّ و ترضی انک انت مولی الوری و ربّ العرش و الثّری

1. ارقام ۲ و ۵ و ۱ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف "ب" و "ه" و "الف" است که مجموع آنها کلمه "بها" را تشکیل میدهد.



ORIGINAL

و بعد روحی لاستقامتکم و ذکرکم و اقبالکم الفداء قد فاز الخادم بدرج کان مملواً من لثالی الذکر و الثناء فلما تفرست فزت بها و بروقتها و صفاتها و لطافة لونها قصدت مقام موجدتها و خالقها و ملهمها و مؤيدتها و عرضتها بين يدي مالكي و مالکها و سلطاني و سلطانها و بعد ما فازت بلحاظ موجدی و موجدتها فتح باب البيان و نطق لسان العظمة بما لا يعادله ما في الامكان قوله تبارک و تعالی

هو المهيمن على من في الارض و السماء

يا افناني عليك بهائي و عنايتي و رحمتي التي احاطت الآفاق قد اتى الرحمن بملکوت البرهان و الناس اکثرهم في مرية و شقاق قد منعت عيونهم عن مشاهدة امواج البحر و ما اشرق و لاح من افق به اشرقت الانوار يعبدون الاوهام و لا يشعرون يسمعون الآيات و هم لا يفقهون هزار و دوست سنه باوهامات انفس غافله تمسک نمودند و در يوم جزا فتوى بر سفک دم مولی الوری دادند بخلیج اسما متمسک و از بحور معانی محروم و ممنوع سبحان الله یکنفر از علما بعرفان حقیقی فائز نشد از وهم ظاهر و بوهم راجع هر صاحب بصری متحیر و هر صاحب قلبی مبهوت اليوم باید حزب الله بکمال همت بر خدمت امر قیام نمایند که شاید عباد از اوهام قبل محفوظ مانند و نهالهای مغرسه جدیده را از ریج سموم حفظ نمایند لعمر الله نفس معرضین بمثابه سم مهلک است از حق بطلبید کلاً حفظ فرماید اوست قادر و توانا لا زال ذکرک در ساحت اقدس بوده و خواهد بود قد حضر العبد الحاضر بکتابک و قرئه لدى المظلوم وجدنا منه عرف الخلوص لله رب العالمین سمعنا ما فيه و اجبتناک بآیات لا يعادلها ما في العالم ان ربک هو الشاهد الخیر انه معک و يؤیدک فضلاً من عنده و هو الفضال الکريم کذلک اظهر النور ظهوره و الشمس اشراقها طوبی لک و لمن فاز بما سطع و لاح من افق المنیر البهاء المشرق من افق سماء عنايتی عليك و علی من یحبک و یكون معک و یسمع قولک فیهذا الامر العزیز البدیع انتهى

له الحمد و المنه چه که لا زال افناشرا ذکر فرموده و میفرماید و هر یک باثر قلم اعلی فائز ولكن الله فضل بعضهم علی بعض هذا ما نطق به لسان الله ربنا من قبل انه هو العليم الخیر فی الحقیقه فضلی ظاهر شده که شبه و مثل نداشته و ندارد اینخادم فانی از حق باقی مسئلت مینماید که در هر حین بر عنایتش بیفزاید و از کوثر بیانش مسرور و پاینده دارد

اینکه در باره وجه حضرت ورقه علیا علیها منکّل بهاء ابهه مرقوم داشتند آنچه ارسال شد رسید ولكن باقی باید بعلیا مخدّره والدة آنحضرت برسد و اختیار البسه هم حسب الامر بآنخدّره واگذارده شده فرمودند اگر بتوانند بعضیرا در صندوق حفظ نمایند لدى الله محبوب و مقبولست و فرمودند حضرت افنان در زحمات ورقه علیا خدمت کامل باصل امر نموده اند و اینخدمت لدى العرش بسیار مقبول افتاد چنانچه مکرر خادم ایندکر را از لسان عظمت استماع نمود هنیئاً لحضرتکم و مریتاً

اما بیت تولیت آن بعلیا مخدّره ورقه ام آنحضرت تفویض شده و هذا ما نطق به لسان العظمة فیهذا الحین یا افنانی عليك بهائی و عنايتی مخدّره علیا ام آنجناب احقّ است بسکون در آن بیت تولیت آن بیت را باو واگذاریم و عنایت فرمودیم و بعد بذریه او لیکن تذکره لها من لدى الحقّ و ذکرها فی القرون و الاعصار انتهى فی الحقیقه عنایت حق جلّ جلاله بمقامیست که اینفانی از ذکرش عاجز است و بعد باید آن بیت اعظم بما نطق به لسان العظمة بترتیبیکه امر فرموده اند اولیا عمل نمایند و تعمیر کنند بر کلّ احترام آنواجب و لازم اینعطیّه کبری امروز از قلم اعلی مخصوص علیا مخدّره نازل فضله احاط و کرمه اخذ و رحمته سبقت تعالی ربنا و الهنا و محبوبنا و مقصودنا نسله ان يؤیدنا علی ذکره و ثنائه و تبلیغ امره انه علی کلّ شیء قدیر

و اما چای مرسله آنحضرت رسید فی الحقیقه پاک و ممتاز و مرغوب بود و لکن خالی از حدّت نیست معذک صرفشده و میشود بسته مرسله هم رسید در جواب عریضه علیا مخدّره حضرت امّ و ورقه علیهما بهاء الله الاهی دو لوح امنع اقدس نازل و ارسال شد انشاء الله بآن فائز شوند و از امطار رحمت ربّانی خرم و مسرور گردند

عرض دیگر دستخطّ ثانی آنحضرت که بتاریخ ۲ ربیع الثانی مزین بود عالم ذکر را تجدید نمود و نهال املرا طراز بدیع بخشید اسئله تعالی ان یرزقنی لقاءکم و الاجتماع معکم فیظلّ سدره عنایتہ و قباب عظمتہ در زیارت دستخط بسیار اینعبد متأثر شد چه که در عرض جواب تأخیر رفت و لکن حق شاهد و آنحضرت گواه که لا زال امام عین حاضرند فراموشی در اینمقام راه ندارد و نسیانرا حکمی نه ان ربنا الرحمن هو الشاهد العلیم

خدمت آفایان افنان علیهم بهاء الله الاهی که در آن ارض تشریف دارند و دوستان الهی سلام و تکبیر عرض مینمایم و از برای کلّ عنایت بدیع و فضل جدید میطلبم اغصان سدره مبارکه روحی و ذاتی و کینونتی لثراب قدومهم الفدا و اهل سرادق عصمت و عظمت کلّ تکبیر و سلام ابلاغ میفرمایند البهاء و الذکر و الثناء علی حضرتکم و علی من معکم و علی من یحبکم لوجه الله ربّ العالمین

خادم

فی ۲۶ جمادی الاولی سنه ۱۳۰۳

عرض دیگر جواب جناب آقا سید حسین زوارهئی علیه بهاء الله از سماء مشیت الهی لوح امنع اقدس مفصل نازل ارسال شد انشاء الله زود ارسال میفرمایند و لوحی هم مخصوص جناب حاجی میرزا محمد تقی علیه بهاء الله ارسال شد مخصوص شخص مذکور هم لوحی نازل انشاء الله بآن فائز میشوند از حق میطلبم رحیق مختوم کلرا اخذ نماید و بمقام محمود کشاند